

چشم انداز مدیریت کلان‌شهرها در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر یوسف زین‌العابدین*

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

زهرا شیرزاد

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشته جغرافیای سیاسی

چکیده

روند افزایش جمعیت شهرنشین و تأثیر آن بر افزایش تعداد کلان‌شهرها یکی از بحث‌های مهم علم جغرافیاست که پی‌آمدهای آن حاکمیت کشورها را با چالش مواجه ساخته است؛ چراکه، برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و معضلات ناشی از مسایل زیست‌محیطی، اجتماعی و بزهکاری برای هر حکومتی کار ساده‌ای نیست. در کشور ایران نیز، به دنبال رشد ثن‌تابان شهرنشینی و بروز مسایل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی کلان-شهرها، چالش‌های حاکمیتی نظیر بسیاری از کشورهای جهان مطرح شده است. با توجه به این موضوع، سؤال تحقیق حاضر این است که: چشم‌انداز کلان‌شهرها چگونه است و

* E-mail: Zeinolabedin@iaurasht.ac.ir

*نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۰۵۹۸۶۷

پی‌آمدهای آن بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران چیست؟ با این فرض که تعداد کلان-شهرها افزایش می‌یابد و این فرآیند تحولاتی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... حاکمیت ایران ایجاد می‌کند به بررسی تفاوت کلان‌شهرها و جهان‌شهرها پرداخته و نیز تشریح و تبیین کارکردهای کلان‌شهرها و جهان‌شهرها هدف اصلی مقاله حاضر بوده و در یافته‌های تحقیق به طور کلی، کلان‌شهرهای ایران از دید ژئوپلیتیکی تحلیل خواهد شد.

واژگان کلیدی: کلان‌شهر، جهان‌شهر، ژئوپلیتیک، حاکمیت، جغرافیای سیاسی، ایران.

۱. مقدمه

شهر بخشی از یک کشور و جزیره‌ای درون آن است. شهرها با توجه به مراکز تجاری، حومه‌های ثروتمند، محله‌های فقیرنشین، حلبی‌آبادها و محله‌های ممنوعه‌شان، دارای جغرافیای سیاسی مخصوص خود هستند. شهرهای جهانی، برای این که در عرصه رقابت بین‌المللی قدرت خودنمایی در بازاریابی داشته باشند؛ باید، ایفاگر نقش مهمی در راستای توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باشند تا بتوانند به عنوان تجمع مکانی واسطه‌گران و سوداگران بین‌المللی و کانون اصلی «گرمایش سرمایه» فعالیت کنند.

با این که شهرها مسایل و علایق مشترکی دارند؛ اما، از یکدیگر جدا هستند؛ زیرا، هر کدام نسبت به رقابت میان شهروندان غنی و ساکنین محلات فقیرنشین و نیز رقابت میان صاحبان قدرت و افراد بی‌بهره از آن دارای تاریخ مخصوص به خود است. هم‌اکنون در سرآغاز قرن بیست و یکم، شاهد آنیم که کلان‌شهرهای فراوانی در گوشه و کنار جهان سر بر می‌آورند. پیدایش و گسترش شهرهای بسیار بزرگ و پهناور با جمعیت‌هایی افزون‌تر از بیست میلیون تن به گونه پدیده‌هایی عادی ولی پر از دشواری در سراسر جهان خودنمایی می‌کند. این شهرها نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند:

شهر به عنوان رسانه‌های عمومی (مطبوعات، سینما، استودیوها، تالارها و ...)

شهر به عنوان مرکزی جهت گردشگری شهری؛

شهر به عنوان مرکزی جهت ادعای حقوق بشر؛

شهر به عنوان مرکزی جهت اهداف استراتژیک.

با توجه به نقش‌های فوق، در تحقیق حاضر، ضمن تشریح چشم‌انداز تأثیر کلان‌شهرها بر حاکمیت کشورها، به نقش جهان‌شهرها و تفاوت آن با کلان‌شهرها در جغرافیای سیاسی جهان خواهیم پرداخت.

۲. مبانی نظری تحقیق

به وجود آمدن پدیده‌هایی کاملاً تازه از اشکال شهری در دوران پس از نیمه دوم قرن بیستم را از نظر جغرافیای سیاسی نخستین بار ژان گاتمن^۱ مورد بحث و بررسی قرار داد. دست‌آورد این مطالعه، ارائه تئوری مگالوپلیس در جغرافیای سیاسی و مطالعات جغرافیای شهری بود. در این تئوری، گاتمن سراسر شمال شرقی ایالات متحده در ششصد مایل مربع و با سی میلیون نفر جمعیت را یک شهر حومه‌ای بزرگ قلمداد کرد که نمونه‌ای از شهرهای بزرگ پدیدار شونده در آینده خواهد بود. گاتمن این نظریه را نخست با خوشبینی فراوانی در مورد زندگی در مگالوپلیس‌های آینده ارائه کرد. اما، او در سال ۱۹۷۵، این نظریه را مورد بازنگری قرار داد و با توجه به واقعیت‌های ناخوش‌آیند زندگی در چنین محیط‌هایی، آینه حقیقت‌نماتری از شهرنشینی در قرن بیست و یکم را پیش روی تصمیم‌گیرندگان اداری - سیاسی شهرهای جهان گذارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۵۷).

علاوه بر گاتمن جغرافیدانان سیاسی دیگری نیز در رابطه با کلان‌شهرها و جهان‌شهرها تحقیقاتی به عمل آورده‌اند که در ذیل به بعضی از آنها پرداخته می‌شود:

۱-۲. **پیتر تایلور**^۲: جغرافیدان سیاسی انگلیسی معتقد است «شهرهای جهانی که کارکردهای حکومت‌های سرزمینی را از آنان می‌گیرند ممکن است نشان‌دهنده این موضوع باشند که ما واقعاً در ابتدای گذار به نظام جهانی متفاوتی هستیم که دارای سیاست اساسی متفاوتی است» (Taylor, 1993, 12). با این وجود، به عقیده تایلور جهان‌شهرها، با ایفای نقش آفرینی ژئوپلیتیکی، جغرافیای سیاسی جهان را دگرگون خواهند کرد و در نتیجه حاکمیت کشورها با چالش‌های جدیدی مواجه خواهد شد.

^۱ - Jean Gottmann

^۲ - سردبیر فصلنامه Political Geography

۲-۲. برنر و کورف^۳: برنر و کورف اعتقاد دارند که مشخصه کلان‌شهرهای امروزی برخورد میان فرآیندهای محلی شدن و جهانی شدن است. محلی شدن شامل جستجو برای کسب هویت محلی و ایجاد محله‌هایی به عنوان کانون‌های زندگی روزمره است. با وجود تضادهای ظاهری، محلی شدن در ارتباط تنگاتنگ با جهانی شدن است که اختلاف محلی را به وجود می‌آورد. به عقیده آن‌ها، امروزه، مرکز و حاشیه که از لحاظ جغرافیایی هر دو در شهرهای جهانی واقع شده‌اند؛ نشانگر تمایز میان جامعه جهانی و محله‌های جدا از هم هستند. مرکز و حاشیه در کلان‌شهر، با هم مواجه می‌شوند و پیشینه تشدید برخوردهای شهری در لندن، پاریس، لس‌آنجلس، بانکوک، مانیل، ریودوژانیرو و مکزیکوسیتی را تشکیل می‌دهند (Berner & Korf, 1995, 212).

۲-۳. فرایدمن^۴: جغرافی‌دان سیاسی دیگری تحقیقاتی در این مورد به عمل آورده و نتیجه گرفته است که تنها «دو شهر عمده جهان» سائوپولو و سنگاپور در کشورهای نیمه‌حاشیه‌ای قرار دارند و بقیه از جمله لندن، پاریس، روتردام، فرانکفورت، زوریخ، نیویورک، شیکاگو و لس‌آنجلس همگی در کشورهای محور واقع شده‌اند (Friedmann, 1986, 69-84). در جهان سوم، تنوع زیادی در الگوی شهرنشینی وجود دارد. در حالی که بعضی کشورها در حال گسترش بخش نیمه‌پیرامونی اقتصاد جهانی هستند، برخی شهرهای عمده در کشورهای تازه صنعتی شده اخیر مانند سنگاپور، هنگ‌کنگ و در حد کم‌تری هم سائوپولو) به نوبه خود، در حال تبدیل شدن به مراکز مالی مهم قاره‌ای و جهانی هستند. اما، به جز مواردی معدود، به نظر می‌رسد که کشورهای جنوب صحرائی آفریقا مقدر است که تا مدت زیادی در حاشیه جهان باقی بمانند و از عواملی همچون شهرنشینی رو به رشد و فقر همراه با رکود اقتصادی، حاشیه‌ای شدن و تخریب زیست‌محیطی رنج ببرند (World Bank, 2005).

۲-۴. رادریگز و فیجن: رادریگز و فیجن معتقدند ارتباط میان جهان‌شهرها و فرآیندهای جهانی‌سازی چندان مورد توجه نمی‌باشد؛ بلکه، گرایش نظریه‌ی جهانی بر آن است که جهان‌شهرها را به عنوان میخ‌پرچی معرفی کند که سلسله مراتب کشورهای کانونی، نیمه‌حاشیه‌ای و حاشیه‌ای را به یکدیگر پیوند می‌زند (Rodriguez & Feagin, 2005).

³ - Berner & Korf

⁴ - Friedmann

(1986, 187-216). این امر با نظر شایع در مورد سلسله مراتب جهانی جهان شهرها کاملاً مطابقت دارد. حاکمیت در این سلسله مراتب با لندن، نیویورک و توکیو می‌باشد. در ردیف دوم شهرهایی فراملیتی با اهمیت منطقه‌ای (همچون آمستردام، فرانکفورت و لوس آنجلس) و در ردیف سوم شهرهای مهم بین‌المللی (همچون مادرید، سئول، سیدنی و زوریخ) قرار دارند. در ردیف چهارم نیز شهرهایی با اهمیت ملی و برخوردار از برخی کارکردهای فراملیتی (همچون هوستون، میلان، مونیخ، اوزاکا و سان فرانسیسکو) واقع شده‌اند (جدول شماره ۱).



جدول شماره ۱- سلسله مراتب جهان شهرها

۱- مفاصل مالی جهانی:	
# لندن* A (همچنین مفصل ملی)	
# نیویورک A	
# توکیو* A (همچنین مفصل فراملیتی: آسیای جنوب شرقی)	
۲- مفاصل فراملیتی:	
# میامی C (حوزه دریای کارائیب، امریکای لاتین)	# لوس آنجلس A (نوار حاشیه اقیانوس آرام)
# فرانکفورت C (روپای غربی)	# آمستردام C یا رانداستات B
سنگاپور* C (آسیای جنوب شرقی)	
۳- مفاصل هم ملی: (۱۹۸۹؛ تولید ناخالص داخلی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار)	
# پاریس* B	# زوریخ C
مادرید* C	مکزیکوسیتی* A
سائوپولو A	سئول* A
# سیدنی B	
۴- مفاصل منطقه ای/ملی فرعی:	
اوزاکا- کوبه (منطقه کانسائی) B	
# سان فرانسیسکو C	# شیکاگو B
# سیاتل C	# هوستون C
# بوستون C	# ونکوور C
# تورنتو C	مونترال C
هنگ کنگ (دلتای رودخانه پرل) B	# میلان C
لیون C	بارسلون C
# مونیخ C	دوسلدورف- کلن- اسن- دورتموند (منطقه راین- رور) B
۵- مفاصل بالقوه نقش آفرینی جدید:	
آتلانتا	کلمبو
جرجیا	اوهایو
روچستر	شارلوت
نیویورک	کارولینای شمالی
و ۱۹ شهر جدید زاین که قطب های فن آوری این کشور محسوب می شوند.	
A ۲۰-۱۰ میلیون نفر سکنه	
B ۱۰-۵ میلیون نفر سکنه	
C ۵-۱ میلیون نفر سکنه	
* پایتخت ملی	
# هدف اکثر مهاجرت ها	

۲-۵. آنتونی گیدنز: جامعه شناس انگلیسی در رابطه با کلان شهرها معتقد است که گسترش حومه های شهری و شهرک های خوابگاهی به زوال مناطق درون شهری کمک کرده است. گروه های ثروتمندتر و مؤسسات تجاری برای استفاده از نرخ های پایین تر مالیات محلی به کوچیدن از مرکز شهر گرایش دارند. در نتیجه، یک دور انحطاط آغاز

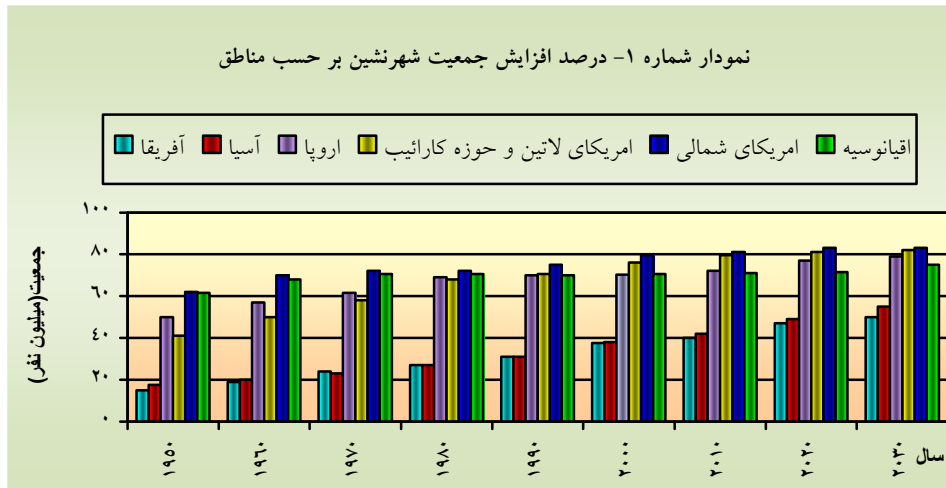
می‌گردد که در آن هر چه حومه‌نشینی بیش‌تر گسترش می‌یابد. کسانی که در مرکز شهر زندگی می‌کنند با مسایل زیادتری مواجه می‌شوند. بازیافت شهری - تازه‌سازی ساختمان‌های قدیمی به منظور استفاده‌های جدید از آن‌ها - در بسیاری از شهرهای بزرگ معمول گردیده است (گیدنز، ۱۳۷۶، ۶۱۹-۶۱۸).

۳. تفاوت کلان شهرها با جهان شهرها

در مورد این که چگونه کلان شهرها و جهان شهرها به وجود آمدند و چه پی‌آمدهایی را بر جغرافیای سیاسی جهان گذاشتند بهتر است که روند افزایش جمعیت شهرنشین را اندکی مورد مطالعه قرار دهیم. می‌توان گفت این روند از انقلاب صنعتی تا کنون هم از لحاظ تعداد شهرها و هم از لحاظ تعداد جمعیت شهرنشین افزایش چشمگیری داشته است. نمودار شماره ۱ روند افزایش جمعیت شهرنشین و چشم‌انداز آن را از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۳۰ نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱- درصد افزایش جمعیت شهرنشین بر حسب مناطق



منبع: (UNFPA, 2007a, 11)

با توجه به نمودار فوق مشاهده می شود که در قاره آفریقا و آسیا جمعیت شهرنشین در سال ۲۰۳۰ به سه برابر تعداد جمعیت شهرنشین در سال ۱۹۵۰ خواهد رسید و قاره های دیگر نیز شاهد افزایش جمعیت شهرنشین خواهند بود به استثنای کشورهای اقیانوسیه که از روند متعادلی برخوردار خواهند بود. به این ترتیب، تعداد کلان شهرها به خصوص در کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت (رک. رامونه، ۱۳۷۷، ۹)؛ چرا که، اکنون در فرآیند جهانی شدن اقتصاد نوین جهانی و جامعه اطلاعاتی در حال ظهور به راستی شکل فضایی نوینی دارند که در زمینه های اجتماعی و جغرافیایی مختلفی ایجاد می شود. کلان شهرها انبوه بسیار بزرگی از انسان ها هستند که هر یک در سال ۱۹۹۲ بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشته اند (بر اساس طبقه بندی سازمان ملل شمار آن ها در این سال بالغ بر ۱۳ کلان شهر بوده است) (جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲).

پروژه: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

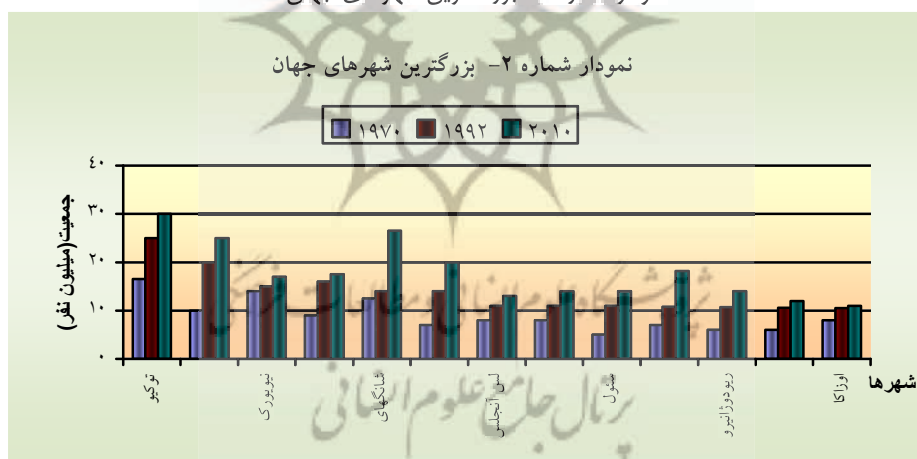
جدول شماره ۲- بزرگ‌ترین شهرهای جهان، ۱۹۹۲

رتبه	شهر	کشور	جمعیت (میلیون نفر)
۱	توکیو	ژاپن	۲۵/۷۷۲
۲	سائوپولو	چین	۱۹/۲۳۵
۳	نیویورک	ایالات متحده امریکا	۱۶/۱۵۸
۴	مکزیکوسیتی	مکزیک	۱۵/۲۷۶
۵	شانگهای	چین	۱۴/۰۵۳
۶	بمبئی	هند	۱۳/۳۲۳
۷	لس‌آنجلس	ایالات متحده امریکا	۱۱/۸۵۳
۸	بوئنوس آیرس	آرژانتین	۱۱/۷۵۳
۹	سئول	جمهوری کره	۱۱/۵۸۹
۱۰	پکن	چین	۱۱/۴۳۳
۱۱	ریودوژانیرو	برزیل	۱۱/۲۵۷
۱۲	کلکته	هند	۱۱/۱۰۶
۱۳	ایساکا	ژاپن	۱۰/۵۳۵

منبع: (UNFPA, 1992, 28)

نمودار شماره ۲- بزرگ‌ترین شهرهای جهان

نمودار شماره ۲- بزرگ‌ترین شهرهای جهان



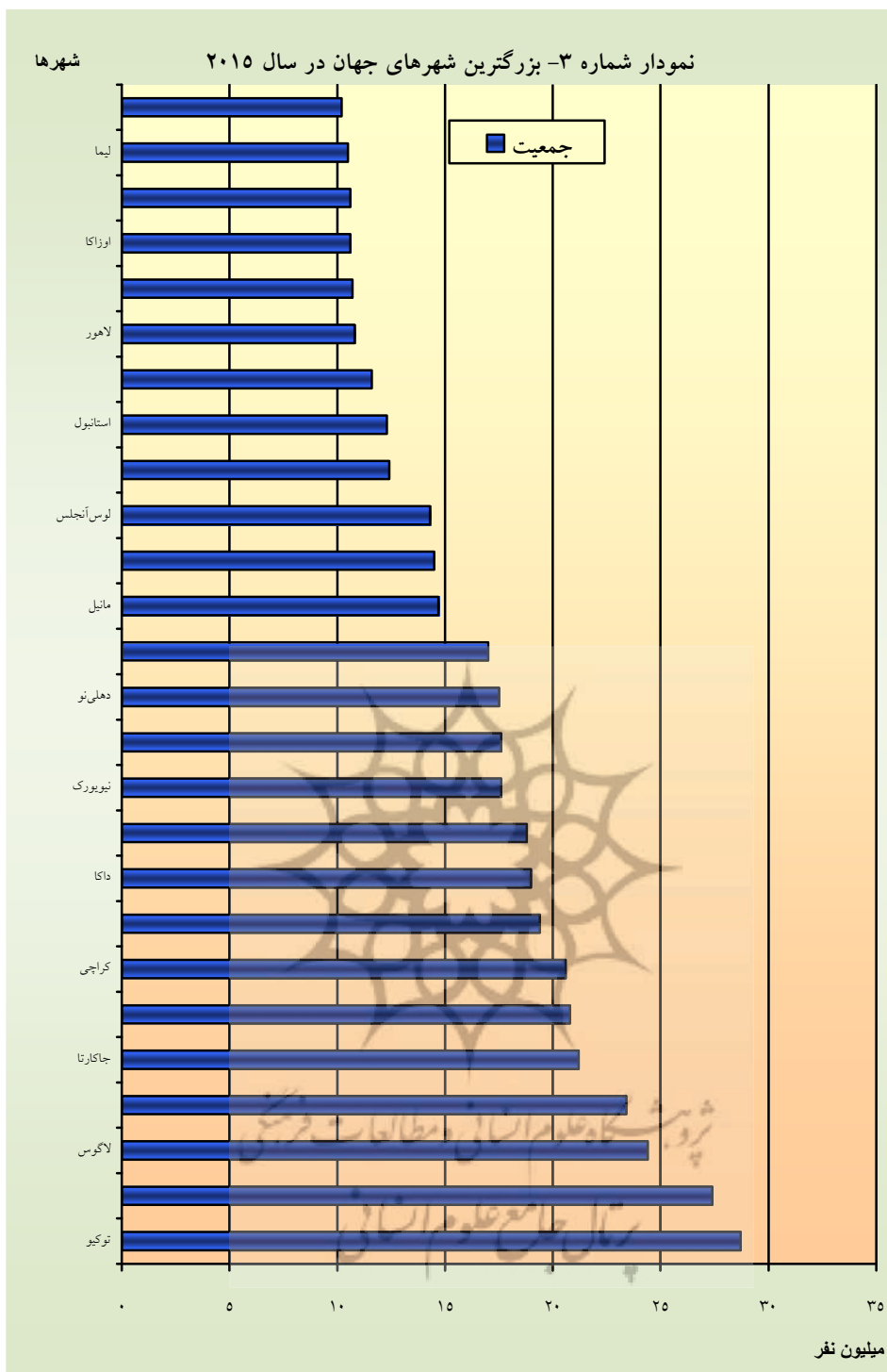
اکنون به این تعداد افزوده شده است و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۵ به ۲۶ شهر برسد که هفت شهر از میان آن‌ها جمعیتی بیش از بیست میلیون نفر خواهند بود (جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۳).

جدول شماره ۳- بزرگترین شهرهای جهان در سال ۲۰۱۵

شهر	جمعیت (میلیون نفر)	شهر	جمعیت (میلیون نفر)
توکیو	۲۸/۷	تیانجین	۱۷/۰
بمبئی	۲۷/۴	مانیل	۱۴/۷
لاگوس	۲۴/۴	قاهره	۱۴/۵
شانگهای	۲۳/۴	لوس آنجلس	۱۴/۳
جاکارتا	۲۱/۲	بوینس آیرس	۱۲/۴
سائوپولو	۲۰/۸	استانبول	۱۲/۳
کراچی	۲۰/۶	ریودوژانیرو	۱۱/۶
پکن	۱۹/۴	لاهور	۱۰/۸
داکا	۱۹/۰	حیدرآباد	۱۰/۷
مکزیکوسیتی	۱۸/۸	اوزاکا	۱۰/۶
نیویورک	۱۷/۶	بانکوک	۱۰/۶
کلکته	۱۷/۶	لیما	۱۰/۵
دهلی نو	۱۷/۵	تهران	۱۰/۲

منبع: (کالینز، ۱۳۸۳، ۴۰۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



البته، همه کلان‌شهرها نمی‌توانند جهان‌شهر باشند. وجه بارز جهان‌شهرها بزرگی و جمعیت آن‌ها نیست. این شهرها گره‌های اقتصاد جهانی هستند و کارکردهای سطوح عالی راهبردی، تولیدی و مدیریتی کل سیاره در آن‌ها متمرکز شده است؛ مانند: کنترل رسانه‌ها، سیاست‌های راستین قدرت و توانایی نمادین تولید و انتشار پیام‌ها. جهان‌شهرها هم علت و هم معلول جهانی‌سازی اقتصادی و فرهنگی هستند. این شهرها را باید به منزله محصول تلفیق تقسیم‌بندی جدید بین‌المللی نیروی کار، بین‌المللی سازی امور مالی و استراتژی‌های جهانی شبکه‌های شرکت‌های فراملیتی تلقی کرد که تمامی آن‌ها به شیوه‌های جدید نظارت و نیز فن‌آوری‌های فرآیند انقلابی ارتباطات و فن‌آوری‌های منتشرسازی تجهیز گشته‌اند. هم‌زمان جهان‌شهرها را باید به عنوان مکان‌ها و موقعیت‌هایی به حساب آورد که از طریق آن‌ها مناطق وسیعی از جهان به فضای انباشت جهانی سرمایه ملحق می‌گردند، به این معنا که مراکز اقتصادی، فرهنگی و مراجع سیاسی به نیروهای لازم و ملزوم جهانی‌سازی اقتصادی و فرهنگی، شکل و جهت می‌بخشند. جدول شماره ۴ نقش‌آفرینی جهان‌شهرها را نشان می‌دهد.



جدول شماره ۴- نقش آفرینی جهان شهرها

شهرها	سهام جهانی از دفتر مرکزی خدمات*	سهام جهانی از دفتر مرکزی**	شاخص برتری	سازمان‌های غیردولتی و میان دولتی
آمستردام	۴	۱	۱/۲۰	۴۵
آتلانتا	۵	۳	-/۳۰	۵
بروکسل	۶	۴	۲/۰۰	۴۸۵
شیکاگو	۷	۱۰	-/۶۸	۲۱
دالاس	۴	۴	-/۲۹	۳
دوسلدورف	۴	۳	-/۱۷	-/۱۷
فرانکفورت	۸	۳	-/۱۹	۳۷
هامبورگ	۵	۱	-/۴۸	۲۰
هوستون	۴	۵	-/۳۷	۸
لندن	۲۸	۳۵	۶/۵۰	۲۸۳
لوس آنجلس	۷	۱۰	۱/۰۴	۱۵
مادرید	۹	۴	۱/۷۹	۴۰
میلان	۴	۱	-/۵۵	۲۸
مونترال	۷	۳	۱/۶۴	۲۶
مونبخ	۶	۳	-/۳۶	۲۷
نیویورک	۲۵	۱۲	-/۹۶	۷۷
اوزاکا	۲۰	۲۱	-/۳۲	۱
پاریس	۲۸	۲۳	۲/۶۹	۴۷۵
فیلادفیا	۴	۴	-/۵۵	۱۲
رم	۶	۲	۱/۹۴	۵۲
سان فرانسیسکو	۶	۷	-/۱۸	۹
ستول	۳	۱۰	۲/۷۹	۴
استکهلم	۷	۸	۱/۵۶	۸۹
سیدنی	۴	۵	۱/۱۷	۱۷
توکیو	۸۶	۸۳	۲/۵۴	۵۹
تورنتو	۹	۳	-/۶۶	۲۵
واشنگتن	۶	۵	-/۴۳	۷۶
زوریخ	۷	۳	۲/۰۱	۶۲

* (جانستون و دیگران، ۱۳۸۳، ۳۶۱)

* شامل خدمات بانکی، مالی، پس انداز، بیمه، خرده‌فروشی، حمل و نقل و امور رفاهی

** شامل تمامی شرکت‌های صنعتی

۴. تحلیل ژئوپلیتیکی کلان‌شهرها

سازمان ملل متحد در پیش‌بینی‌های خود تصویر حیرت‌انگیزی از زندگی شهری در آسیای سال ۲۰۱۰ به عمل آورده است. سی شهر جمعیتی بیش از ۵ میلیون نفر خواهند داشت (در برابر فقط ۲ شهر امریکایی و شش شهر اروپایی). شانگهای و بمبئی هر کدام ۲۰ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت (UNFPA, 1994). پکن، جاکارتا، دهاکا، مانیل، تیانجین، کلکته، و دهلی هر کدام بیش از ۱۵ میلیون جمعیت خواهند داشت. با تداوم این روند جابه‌جایی نهایی جمعیت از مناطق روستایی به مناطق شهری، شکل و شمایل جامعه آسیایی را به طور کلی تغییر خواهد داد.

از سیزده شهری که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت، هفت تای آنها در آسیا قرار دارند. جمعیت بعضی از شهرهای آسیایی هر ۱۰ یا ۱۵ سال دو برابر می‌شود. در سال ۲۰۱۰، نیمی از کل جمعیت چین در مناطق شهری سکونت خواهند داشت - در برابر ۲۸ در سال ۱۹۹۴. مهاجرت روستاییان فقیر چنان پدیده است که زاغه‌نشین‌های قومی و نژادی همه جا گسترش یافته‌اند (UNFPA, 2007b, 1). ابعاد این مهاجرت‌ها چنان بزرگ است که بخشی از شهر پکن را اکنون «دهکده ژیانگ» می‌نامند. دهکده‌ای که درمانگاه‌ها و کودکان‌های خاص خود را دارد و در آنجا فقط به زبان محلی ژیانگ سخن می‌گویند. مردم این دهکده شهری به دلیل تولید لباس‌های مخصوص خود شهرت دارند.

شهر به شهر آمار و ارقام حیرت‌انگیزتر می‌شوند: توکیو پایتخت ژاپن به تنهایی بیش از ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد. جمعیت شهرنشین ویتنام از ۱۹۷۵ به بعد ۶۰ درصد افزایش یافته است. جمعیت بانگوک (پایتخت تایلند) از ۱۹۶۰ به بعد سه برابر شده و به ۷/۱ میلیون نفر رسیده است.

جمعیت بمبئی (هند) از دهه ۱۹۵۰ به بعد ۴۰۰ درصد افزایش داشته است و هر روز تقریباً ۳۰۰ خانوار هندی در جستجوی کار یا برای یک زندگی بهتر به شهر بمبئی سرازیر می‌شوند.

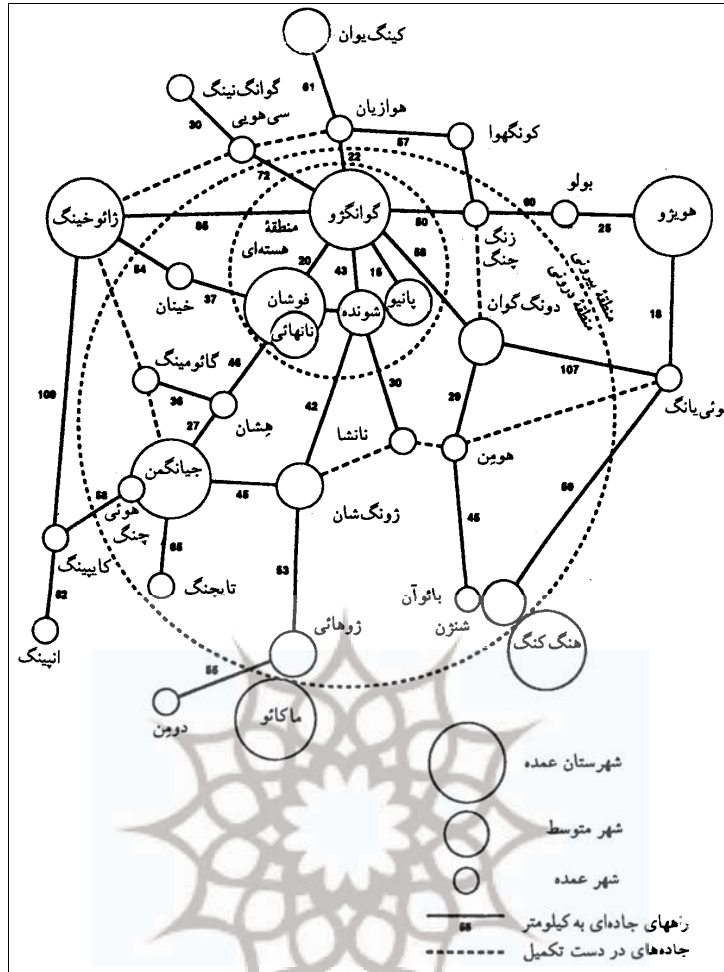
در طول ۲۵ سال آینده، ۶۰۰ میلیون نفر جمعیت شهرنشین آسیا افزوده خواهد شد (UNFPA, 2007b).

تحلیل ژئوپلیتیکی، اجتماعی، زیست‌محیطی و امنیتی این مهاجرت‌های روستایی برای حکومت‌ها محاسبه‌ناپذیر است. هم‌اکنون، بسیاری از شهرهای آسیایی در زیر فشار سنگین ترافیک، زباله و دود و دم به خفقان افتاده‌اند. بیکاری و کم‌کاری به صورت مزمن درآمده و کمبود مزمن بسیاری از چیزهای دیگر، مانند مسکن آب آشامیدنی، نیروی برق و وسایل حمل و نقل به شدت احساس می‌شود. با تمام این احوال، برای بسیاری مردم، یک جامعه مدرن، جهانی و قابل توجه هنوز هم یک جامعه شهری است. در روستاها فقط دو چیز داریم: شمار فزاینده‌ای گور و گورستان و تعداد فزاینده‌ای افراد سالمند که در انتظار ورود به گورستان‌ها نشسته‌اند.

بر این اساس، آن‌چه در حال ظهور است کلان‌شهری است که ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر را در بر خواهد گرفت و هنگ‌کنگ، شنزن، گوانگ‌ژو، ژوهای، ماکائو و شهرهای کوچک دلتای رودخانه پرل را به یکدیگر متصل خواهد کرد. این گونه کلان‌شهرها اجزای اقتصاد جهانی را به هم پیوند می‌دهند، شبکه‌های اطلاعاتی را به یکدیگر متصل می‌کنند و قدرت جهان را متمرکز می‌سازند. اما، این مراکز، محل همه بخش‌های جمعیتی است که برای بقا می‌جنگند و نیز پناهگاه همه گروه‌هایی است که می‌خواهند وضعیت نابسامان خود را به گوش همه برسانند تا مبادا در این مناطق که خارج از شبکه‌های ارتباطی واقع شده در خاموشی و انزوا بمانند. کلان‌شهرها بهترین‌ها و بدترین‌ها را در خود متمرکز کرده‌اند از مبتکران و قدرتمداران گرفته تا مردمی که در ساختار این مراکز به موجوداتی زاید تبدیل شده‌اند. کلان‌شهرها مجتمع‌های ناپیوسته‌ای از مکان‌های چندپاره، قطعات کارکردی و بخش‌های اجتماعی هستند.

برای تشریح این موضوع به کلان‌شهری اشاره می‌شود که هنوز ساخته نشده است و حتی در نقشه سیاسی جهان نیز وجود ندارد؛ اما، یکی از مراکز برجسته صنعتی، تجاری و فرهنگی در قرن بیست و یکم خواهد بود: سیستم کلان‌شهری منطقه‌ای هنگ‌کنگ - شنزن - کانتون - دلتای رودخانه پرل - ماکائو - ژوهای (نمودار شماره ۳).

نمودار شماره ۳- نمایش نموداری نقاط اتصال عمده در منطقه شهری دلتای رودخانه پرل



منبع: (کاستلز، ۱۳۸۳، ۴۷۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۵. یافته‌های تحقیق

کلان‌شهرهای جهانی، که از این رویه‌های فراملیتی ناشی می‌گردد، صرفاً، بیان‌گر درهم‌تنیدگی و همچنین وجود بینش مشترک فرهنگ مادی‌گرایانه مصرف‌گرایی نمی‌باشد. این مقوله در سطوح مختلف نه تنها شامل همگن‌سازی فرهنگی و انطباق فرهنگی است؛ بلکه، کثرت فرهنگی و فروپاشی فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد.

کلان‌شهرسازی جهانی مرزهای مرسوم فضای جغرافیایی را بر می‌دارد و رویه‌های فراملیتی درباره گروه‌های خاص قومی، جنسیتی، طبقاتی و منطقه‌ای را مشخص می‌کند. کلان‌شهرسازی جهانی مورد بحث با متراکم‌سازی جهان و ایجاد شتاب در تولید و مصرف، در سیاست و نیز توسعه، پیوندی تنگاتنگ دارد. با این همه، جهانی‌سازی چیزی بیش از شتاب و گسترش فعالیت افراد می‌باشد. ریشه تاریخی جهانی‌شدن را می‌توان به عمق تاریخ بشر به زمان‌های قدیم مربوط دانست. در مفهوم عام، جهانی‌شدن از سویی معادل با واژه بین‌المللی به کار می‌رود که عبارت است از افزایش تعامل‌ها و وابستگی‌های بین مردم کشورهای مختلف. جهانی‌شدن شکل‌گیری شبکه‌ای است که طی آن اجتماعات که پیش از این در کره‌های دورافتاده و منزوی بودند در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند. از این رو، جهانی‌شدن به معنی تغییردادن تجربه فضا و زمان و فشرده‌ساختن آن است.

در این فرآیند، فاکتورهای عینی مناسبی برای نشان دادن ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شهرهاست که چالش جدید حاکمیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. از این رو، هم‌زمان با فرآیند پرشتاب شهرنشینی و تمرکز شهری فوق‌العاده روزافزون جمعیت، تفاوت‌های آشکاری میان فضاهای شهری به وجود آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵: ویژگی‌های ساختار فضایی کلان‌شهرها در ایران

ردیف	شاخص	ویژگی‌ها
۱	اقتصادی	تمرکز شهری فوق‌العاده و پیدایش مشکلات شهری تمرکز روزافزون جمعیت و امکانات در چند کلان‌شهر محدود و اختلاف فاحش بین فضاهای شهری زهکشی اقتصادی سرمایه‌ها از پیرامون به شهرها به ایجاد فضای قطبی در شهرها گسترش لجام‌گسیخته اقتصاد غیر رسمی در کلان‌شهرها
۲	اجتماعی	فرآیند پرشتاب شهرنشینی و پیشی گرفتن شهرنشینی از شهرگرایی کم‌رنگ شدن مرزها و هویت‌های شهری گسستگی در نظام‌های اجتماعی و فرهنگی شهرها
۳	کالبدی- فضایی	توسعه تک‌قطبی شهر تهران به عنوان شهر مسلط تمرکزگرایی و بروز عدم تعادل در شبکه مسلط تمرکزگرایی و بروز عدم تعادل در شبکه شهری جدایی‌گزینی اکولوژیکی در برخی از شهرها و قطبی شدن نظام طبقات شهری در کلان‌شهرها مشخص نبودن سیاست‌های شهرنشینی و چگونگی توزیع جمعیت شهری رشد بی‌رویه و کنترل نشده ترافیک و صنایع شهری و آلودگی‌های زیست- محیطی ناهماهنگی در سلسله مراتب سکونت‌گاه‌های شهری
۴	ارتباطات- اطلاعات	زیرساخت‌های نامناسب و ناکافی برای ارائه خدمات و برنامه‌ریزی IT عدم همگن‌سازی توسعه ارتباطات به عنوان زیرساخت‌های عمده شهر مجازی وجود بوروکراسی‌های اداری به عنوان مانع عمده ایجاد دولت و شهر الکترونیک
۵	زیست- محیطی	آسیب‌پذیر بودن اکوسیستم‌های شهری بالا آمدن سطح آب‌های زیرزمینی در برخی شهرها آلودگی آب‌های زیرزمینی به علت فقدان شبکه فاضلاب تنزل کیفیت محیط زیست انسانی در سطح شهرها

(نصیری و سرور، ۱۳۸۵، ۷۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶. نتیجه‌گیری

از مباحث حاضر نتیجه‌گیری می‌شود که جمعیت شهرنشین رو به تزاید بوده و هر زمان تعداد شهرهای بزرگ و پرجمعیت بیش‌تر می‌شود. البته، این روند در میان کشورهای پیشرفته و در حال توسعه یکنواخت نبوده و در آینده بیش‌ترین کلان‌شهرها در کشورهای در حال توسعه و به‌خصوص در جنوب و جنوب‌شرق آسیا به وجود خواهند آمد. علاوه بر این، تعداد شهرهایی تحت عنوان جهان‌شهر در جهان وجود دارند که متفاوت از کلان‌شهرها هستند و با نقش‌آفرینی‌های متعدد و خاص ساختار ژئوپلیتیکی جهان را از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. بنابراین، در این زمینه، حکومت‌ها، استراتژی‌های متعددی را جهت مدیریت کلان‌شهرها به کار برده‌اند. در این زمینه، جمهوری اسلامی ایران نیز در مدیریت کلان‌شهرها و اعمال حاکمیت با چشم‌انداز جدیدی مواجه می‌باشد و با توجه به ویژگی‌های جدید ساختار کلان‌شهرها در ایران باید به دنبال انتخاب و اجرای الگوی مناسب باشد.



۷. منابع

۱. پور موسوی، سید موسی و علی بختیاری پور (۱۳۸۱)، «شهرها و امنیت ملی»، ماهنامه نگاه، سال سوم، شماره ۲۴.
۲. جانستون، آر. جی و دیگران (۱۳۸۳)، «جغرافیاهای جهانی تحول»، ترجمه: نسرين نوریان، انتشارات دوره عالی جنگ.
۳. شوتار، سوفی (۱۳۸۶)، شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی»، ترجمه: دکتر سید حامد رضیئی، انتشارات سمت.
۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)»، جلد اول، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو.
۵. کالینز، جان. ام (۱۳۸۳)، «جغرافیای نظامی»، ترجمه: عبدالمجید حیدری و دیگران، انتشارات دوره عالی جنگ.
۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی.
۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، انتشارات سمت.
۸. نصیری، اسماعیل و رحیم سرور (۱۳۸۵)، «تأثیر جهانی‌شدن بر ساختار فضایی کلان-شهرهای ایران (چالش‌ها و راهبردها)، مجموعه مقالات اولین همایش جغرافیا و قرن ۲۱»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
9. Berner, E & R. Korff (1995), "Globalization and Local Resistance: The Creation of Localities in Manila and Bangkok", *International Journal of Urban and Regional Research* (19).
10. Friedmann, J. (1986), "The World City Hypothesis", *Development and Change* (17).
11. Rodriguez, N.P. & J.R. Feagin (1986), "Urban Specialization in the World-System", *Urban Affairs Quarterly* (22).
12. Taylor, Peter J. (1993), "Political Geography: World Economy", *Nation-State and Locality*, 3rd edition, Longman: Harlow.
13. UNFPA (2007a), "State of World Population 2007", UN.
14. UNFPA (1992), "State of World Population 1992", UN.
15. UNFPA (2007b), "Growing up Urban", UN.
16. UNFPA (1994), "Growing up Urban", UN.
17. World Bank (2005),

